

❖

تاج العارفين جنید بغدادی

❖

رسایل، سخنان و احوال

تالیف، ترجمہ و تصحیح:

مسعود انصاری

۲۰۰۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲
KMF 978-9953-0-230-2

فهرست مطالب

بخش نخست: دیباچه کتاب
پیشگفتار
در حدیث دیگران

بخش دوم زندگی و احوال تاج العارفين
درآمد
تبار وی
استادان و پیران
افران جنید
شاگردان

بخش سوم: مجموعه رسایل جنید
پیشگفتار علی حسن عبدالقادر
رسالة لابی القاسم الجنید الی بعض اخوانه

بخش نخست: دیباچه کتاب
پیشگفتار
در حدیث دیگران
درآمد
تبار وی
استادان و پیران
افران جنید
شاگردان
اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر جنید
عرفان اسلامی
عرفان و تصوف از نگاه جنید
جنید و شرح شطحیات بایزید بسطامی
فرقه جنیدیه
القاب
احوال
گرامات
وفات
حکایت قطعه رائیه
آثار

بخش دوم: رساله تاج العارفين
درآمد
تبار وی
استادان و پیران
افران جنید
شاگردان
اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر جنید
عرفان اسلامی
عرفان و تصوف از نگاه جنید
جنید و شرح شطحیات بایزید بسطامی
فرقه جنیدیه
القاب
احوال
گرامات
وفات
حکایت قطعه رائیه
آثار

بخش سوم: مجموعه رسایل جنید
پیشگفتار علی حسن عبدالقادر
رسالة لابی القاسم الجنید الی بعض اخوانه

۱۳۲	نامه‌ی ابوالقاسم جنید به یکی از یاران خویش
۱۳۴	رسالة ابی القاسم الجنید بن محمد إلى یحیی بن معاذ الرازی
۱۳۴	نامه‌ی ابوالقاسم، جنید به محمد بن یحیی بن معاذ رازی
۱۳۶	رسالة لابی القاسم الجنید إلى بعض اخوانه
۱۳۸	نامه‌ی ابوالقاسم جنید به یکی از دوستان
۱۴۳	کتاب الجنید الی عمرو بن عثمان مکی
۱۵۵	نامه‌ی جنید به عمرو بن عثمان مکی
۱۷۷	کتاب الجنید الی ابی یعقوب، یوسف بن الحسین الرازی
۱۸۰	نامه‌ی جنید به ابی یعقوب یوسف بن حسین رازی
۱۸۷	کتاب الفنا
۱۹۰	کتاب فنا
۱۹۸	کتاب الميثاق
۲۰۱	کتاب ميثاق
۲۰۴	فی الألوهيته
۲۰۴	گفتار جنید درباره‌ی الوهیت
۲۰۹	فی الفرق بین الاخلاص و الصدق
۲۱۲	تفاوت صدق و اخلاص
۲۱۷	فی التوحید
۲۲۲	درباره‌ی توحید
۲۲۹	ادب المفتقر الی الله
۲۳۳	ادب نیازمند به خدا
۲۳۸	کتاب دواء التفريط
۲۴۲	کتاب درمان تفريط
۲۴۹	بخش چهارم: سخنان تاج العارفين جنید
۵۳۱	فهرست آیات قرآن کریم
۵۳۴	فهرست احادیث نبوی
۵۳۵	نمایه اصطلاحات و واژگان عرفانی
۵۵۵	نمایه کسان و جای‌ها
۵۶۴	فهرست منابع

عزیز و محترم بود و از آنجا که در آن زمان، علم و ادب، در میان مردم
بسیار کم بود و اکثر مردم، بی‌سواد و نادان بودند، لذا برای آنکه
مردم را از جهل و نادانی نجات دهد و آن‌ها را به راه حق هدایت کند، خداوند
عزیز و مهربان، در آن زمان، پیغمبر خود را فرستاد و آن پیغمبر را
محمد (ص) نامید. او با کلام و عمل، مردم را به راه حق هدایت کرد و
آن‌ها را از جهل و نادانی نجات داد. او را پیغمبر خداوند نامیدند و
آن را نبوت نامیدند. او را رسول خداوند نامیدند و آن را رسالت
نامیدند. او را خاتم النبیین نامیدند و آن را خاتم النبیین نامیدند.

ای همه هستی ز تو پیدا شده

پیشگفتار

خدا را بندگانی است که برایشان نوری قرار داده است و با آن در میان مردم
می‌گردند (انعام، ۱۲۲)، بندگانی که در پرتو نور الهی در حقایق چیزها می‌نگرند (حدیث
نبوی)، بندگانی که با دل خرد می‌ورزند (حج، ۴۶)، بندگانی که بر شهپر شناخت، قلّه‌ی
شهود را فتح می‌کنند (حکایت حارثه)، بندگانی که خدا به آنان فرموده است: «سجده
کنید و نزدیک آید» (علق، ۱۹)، بندگانی که تعلق مادی را به شرار سلوک سوزانده‌اند و
محبوبشان به آنان فرموده است: «هرکس در راه ما تلاش (مجاهدت) کند، ما راه‌های
خویش را به آنان خواهیم نمایاند (عنکبوت، ۶۹)، بندگانی که در مسیر نورگام می‌زنند و
نور می‌جویند و نور می‌شوند. بی‌تردید جنید بغدادی (رح) پیشوای بزرگ عارفان، از
جمله‌ی آنان است که همه‌ی عالمان و مورّخان و دانشوران زبان به ستایش او گشوده‌اند و
موافق و مخالف در سیرت و روش و سلوک او چندان عیبی نیافته‌اند که خدشه و خللی
در طریق و شناخت او حاصل کند، توگویی همگان می‌بینند که دارد در میانه‌ی قرن سوم
هجری، قرن عبادت و تقوی، قرن ظهور عارفان بزرگ، قرن والگی و شیدایی، قرن
روشنی و پیدایی، قرن سکوت و سخن، قرن مجاهدت و محن و قرن فتح قله‌های
شناخت، پشاپیش عارفان بزرگ برای رسیدن به غایت غایی و هدف نهایی می‌رود که
بهترین واژگان و معانی را در عرصه‌ی تجربه‌های عرفانی بیافریند و به راستی درست
گفته‌اند که عارفان پس از او هر کس به نحوی تحت تأثیرش بوده‌اند، زیرا هر جانی که

می‌خواست در سایه‌ی شناختِ حق آرام گیرد و کام خویش را از چشمه‌ی محبت سیراب سازد و دلِ خویش را به معرفت جلا دهد، می‌توانست نشانه‌های راه را از آن دل سوخته‌ی مسیر بقا و آن دل‌داده‌ی سرچشمه‌ی صفا بیاموزد که حقیقت «الست» را که خاستگاه پیدایی به حق انسان بود، به نیکی می‌شناخت و بر این باور بود که برای بازگشتن به آن حقیقت ناب می‌باید از مرزهای خویشتن خویش گذشت و افق‌های کران ناپیدای معنا را بر خود گشود و برای غیر خدا در دل هیچ مجالی نگذاشت و همواره با خدا و به خدا بود و بنده‌ی برگزیده‌ی او شد و بر ذروه‌ی شامخ و بلندای بلند بندگی ایستاد و در مسیر محبوب برگزیده‌ی حق گام زد، چرا که خدایش فرموده است که با پیروانش این راز بگوید که اگر خدا را دوست می‌دارند، از او پیروی کنند و در راه او گام بگذارند و به دنبال او روند، یعنی در گشودن کرانه‌های بلند، در رسیدن به جوار رحمت حق، در آن اسرای بزرگ، در آن معراج سترگ، در آن خلوت که با خدای خویش شد. از این روی به راز گفت که نماز آدینه حج مساکین است، چنان که قرآن فجر، نماز مشهود است.

این همه مباحثی است که در پژوهش عارف، قبسی از آن بر این کمترین بنده روشن شده که در چهار بخش ترتیب یافته است؛ بخشی به دیباچه‌ی کتاب و بخشی هم به زندگی‌نامه و عرفان جنید بغدادی در سایه‌ی عرفان اسلامی اختصاص دارد که در این بخش، زندگی، استادان، اقران، شاگردان، اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نگرش جنید درباره‌ی تصوف و عرفان، ویژگی‌های مکتب عرفانی جنید، محنت‌ها، سخنان بزرگان درباره‌ی او، احوال، قطعه‌ی راثیه و شرح تیجانی و آثار او بیان شده و در بخش سوم مجموعه متونی که به «رسایل جنید» شهرت دارد و علی‌حسن عبدالقادر آن‌ها را جمع‌آوری و تصحیح کرده و ترتیب و سامان داده است، ترجمه شده و در بخش چهارم سخنان و تعالیم و نظرگاه‌های ایشان آمده است که کوشیده‌ایم با دستیابی به متون دست اول آن را که احتمال درستی‌اش بیشتر بوده است ذکر کنیم، زیرا سخنان منسوب به او که گاه توجیه‌پذیر نیز نیست فراوان نقل شده است که به شناخت اندیشه‌ی درستش چندان کمکی نمی‌کند و با عنایت به منابع متنوعی که به آن‌ها اشارت شده و در ذیل هر سخن آمده میزان وثوق و اعتبار آن نیز معلوم شده است، در هر صورت، کامل تنها ذات مقدس حق است و خطا جبلی بندگانش و احتمال سهو و خطا و احیاناً دست نیافتن به برخی

احوال و افوالش وجود دارد که امیدوارم اگر مجال بیشتری دست دهد، پژوهش مستوفی و فراگیرتری در این زمینه انجام گیرد، اما به ویژه در بخش سخنان تلاش بنده بر آن بوده و نظر برین‌ها را از مهمترین متون به دست آورم و سخنانش را از میان حدود دوازده هزار بیان درباره‌ی ایشان برگزیده‌ام و نظرگاه‌های تفسیری‌اش را به ویژه در «حقایق التفسیر» عبدالرحمن سلمی یافته‌ام که حدود دویست و سی رأی تفسیری از ایشان نقل کرده است.

امیدوارم این اثر در شناخت ویژگی‌های اصلی عرفان اسلامی به طور عام و روش سلوک و تصوف جنید به طور ویژه مفید واقع شود و «تا چه در نظر آید.»

مسعود انصاری

۱۳۸۹/۹/۱۴